

اصول و مبانی وحدت و انسجام اسلامی از نگاه امام علی علیه السلام

علی صادقی
عضو حلقه علمی قرآن

چکیده: وحدت و یکپارچگی امت اسلام از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای نزد امیرمؤمنان علیه السلام برخوردار بوده است و اهتمام آن حضرت در حفظ یکپارچگی مسلمانان بر کسی پوشیده نیست. بی‌گمان، امیرالمؤمنین علی علیه السلام بزرگترین منادی وحدت امت رسول الله صلی الله علیه و آله است که پژوهشگر وحدت‌خواهی از کلام و رفتار او شنیده می‌شود. در دیدگاه حضرت، اعتقاد به خدای سبحان، تمسک به کتاب، شریعت و پیامبر واحد، محورگردهمایی مسلمانان شمرده می‌شود و اجرای صحیح قوانین شریعت و پیروی از رهبری و توجه به اخلاق حسنه، عامل تداوم و بقای آن است. این نوشتار برآن است تا سیمای وحدت و انسجام اسلامی را در سیره علمی و عملی امام علی علیه السلام به تماشا بنشینید تا از این رهگذر توشه‌ای برای چشم‌انداز آینده ملت ایران: امت مسلمان در جهان و موحدان عالم فراهم آید.

کلید واژگان: اتحاد، انسجام اسلامی، امام علی علیه السلام نهج البلاغه، سیره اهل بیت.

الف) ضرورت و چرایی وحدت اسلامی

وحدت، قانون حاکم بر جهان هستی است، نظام آفرینش بر مدار وحدت است. در اسلام، وحدت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، قرآن کریم ضمن آنکه همگان را به همگرایی و همبستگی فراخوانده است، از وحدت اسلامی به عنوان نعمت یاد کرده و اختلاف را مورد نکوهش قرار داده است.

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا...﴾^۱؛ «همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید».

و یا در آیه‌ای دیگر اختلاف و فرقه‌گرایی را هم‌ردیف عذاب الهی برشمرده است.
﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا...﴾^۲؛ «بگو: او قادر است عذابی از بالای سر و یا زیر پایتان بر شما فرو فرستد و یا اینکه لباس تفرقه و پراکندگی را بر شما بیوشاند».

امام علی علیه السلام نیز همبستگی را زمینه ریزش رحمت الهی دانسته^۳ و وحدت را یکی از ارمغانهای بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معرفی کرده است.^۴ همچنین خود را شیفته اتحاد و حریص‌ترین کس به وحدت اسلامی دانسته و فرموده است:

(لیس رجل - فاعلم - احرص علی جماعه امه محمد صلی الله علیه و آله و الفتها منی، ابتغی بذلک حسن الثواب و کرم المآب...)؛^۵ «این نکته را بدان که هیچ‌کس از من بر اتحاد و همبستگی امت محمد صلی الله علیه و آله حریص‌تر نیست که بدان ثواب نیکو می‌جوییم و فرجام نیک می‌طلبیم...».

ب) عرصه‌های همگرایی و وحدت مطلوب اسلامی

پس از تبیین ضرورت وحدت، اکنون این پرسش مطرح است که مقصود از وحدت چیست؟ در ابتدا باید توجه داشت که واژه «وحدت» و یا «اتحاد» در مواردی استفاده می‌شود که نوعی اختلاف وجود داشته باشد و گرنه در جامعه بدون اختلاف، بحث از وحدت، تحصیل حاصل است. در قرآن کریم نیز به این مسئله توجه شده است.^۶
دیگر این‌که، برخی از اختلافات، معقول و منطقی است؛ از جمله اختلافات طبیعی مانند اختلاف رنگها، قبیله‌ها و ... که لازمه آفرینش و خلقت انسان است:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ اللَّسَانِ وَالْوَالِدَاتِ إِذَا حَلَّيْنَ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ﴾^۷

۱. آل عمران/۱۰۳.

۲. انعام/۶۵.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۴. همان، خطبه ۱.

۵. همان، نامه ۷۸.

۶. انعام/۱۵۹.

۷. روم/۲۲.

همچنین معنای وحدت آن نیست که اقلیتهای مذهبی از عقاید خود دست برداشته و عقایدی واحد داشته باشند، یا این که اهل سنت، شیعه شده، و شیعیان سنی شوند، بلکه مقصود از وحدت آن است که همه افراد و گروههای یک جامعه، با بهره‌گیری از عوامل وحدت و در پیش گرفتن سیاستهای اصولی و منطقی، در برابر سیاستهای خصمانه دشمن مشترک خود، متحد باشند، از اختلافات غیر معقول بپرهیزند، اختلافات خود را با تبادل اندیشه برطرف کرده و با صلح و صفا در کنار هم زندگی کنند.

شهید مطهری میگوید:

«وحدت در جهان بینی، در فرهنگ، در سابقه تمدن، در بینش و منش، در اعتقادات مذهبی، در پرستشها و نیایشها، در آداب و سنن اجتماعی مطلوب، می‌تواند از مسلمانان ملت واحدی بسازد و قدرتی بزرگ به وجود آورد که قدرتهای بزرگ جهان ناچار در برابر آنها خضوع نمایند»^۱.

در سیره امام علی علیه السلام نیز وحدت بدین معناست. آن حضرت گذشته از آن که ولایت را حق خود دانسته، با خلفا اختلاف داشت و سیاست آنها را نیز نقد می‌کرد^۲، هنگامی که دشمنان مشترک مسلمانان، اصل دین و مصالح عمومی امت اسلامی را تهدید می‌کردند، با خلفا همراه می‌شد و با آنها همکاری می‌کرد^۳.

ج) امکان وحدت

از نگاه اسلام، نه تنها اتحاد در یک جامعه امکان‌پذیر است، بلکه همبستگی پیروان همه ادیان الهی نیز امکان دارد؛ چرا که قرآن کریم همه پیروان ادیان الهی را به وحدت فراخوانده است:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾^۴؛ «بگو: ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد. پس اگر از این پیشنهاد [اعراض کردند، بگویید: شاهد باشید که ما مسلمانییم] نه شما».

۱. مرتضی مطهری، الغدیر و وحدت اسلامی، روزنامه قدس

۲. نهج البلاغه، خطبه ۳.

۳. همان.

۴. آل عمران/۶۴.

بدون شک، اگر چنین همگرایی امکان‌پذیر نبود، معنا نداشت که خداوند متعال همهٔ پیروان الهی را به همگرایی و وحدت دعوت کند؛ زیرا جعل اصل تکلیف فرع بر امکان آن است.

در قرآن کریم یکی از وظایف انبیا، رفع اختلافات و ایجاد امت واحده بیان شده است.^۱

امام‌علی علیه السلام با شناخت دقیق از معارف قرآن و جامعهٔ اسلامی عصر خویش، همهٔ مسلمانان را به همبستگی فرا خواند که این نشان‌دهندهٔ امکان وحدت اسلامی است: «و الزموا السواد الاعظم فان ید الله مع الجماعة، و ایاکم و الفرقة؛ فان الشاذ من الناس للشیطان كما ان الشاذ من الغنم للذئب، الا من دعا الی هذا الشعار فاقتلوه و لو کان تحت عمامتی هذه ...»؛ «با اکثریت، همداستان شوید که دست خدا همراه جماعت است و از تفرقه پرهیزید که موجب آفت است. آن که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهرهٔ شیطان است، چنان که گوسفند وامانده از گله، نصیب گرگ بیابان است...».

د) اصول و مبانی وحدت اسلامی

برای رسیدن به وحدت، بنیادها و اصول متعددی شایان توجه است که می‌توان آنها را در دو گروه اصلی و فرعی دسته‌بندی کرد.

آنچه انسان در نگاه نخست بدان می‌گراید، معیارهایی فرعی مانند رنگ پوست، نژاد، قبیله، زبان، جغرافیا و... است که بیشتر جنبهٔ قشری و ظاهری دارد؛ چرا که خود مایهٔ جنگ‌های متعدد شده است. ولی آنچه حضرت‌علی علیه السلام بدان گوشزد کرده است، همان معیارها و اصول راستین وحدت اسلامی است که اینک بدانها اشاره می‌کنیم.

۱- اصل توحید

در جهان بینی اسلامی جهان بر اساس توحید بنا شده است. همهٔ مسلمانان به توحید که امری فطری است، عقیده دارند و همین ایمان به خداوند است که روح و قلب مؤمنان را یکپارچه و همسو می‌کند؛ گویا همهٔ آنان روح واحدی دارند.

۱. بقره/۲۱۳.

نهج البلاغه، خطبهٔ ۱۲۷.

در قرآن، از اصل توحید به عنوان اصل مهم وحدت همه ادیان یاد شده است^۱. همچنان که محور امت واحده نیز دانسته شده است.

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾^۲.

آری، از یک سو قرآن کریم مؤمنان را برادر خوانده است: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾^۳ و از دیگر سو، روایات مؤمنان را همانند نفس و جسم واحد دانسته‌اند، گویی ایمان به خدا، جان و روح همه آنان است. «المؤمنون كالنفس الواحدة»^۴.

امام علی علیه السلام دانشمندانی را که با داشتن قدر مشترک، باز بر طبل اختلاف می‌کوبند، نکوهش می‌کند، بر توحید و اعتقاد به خدای واحد به مثابه اصلی وحدت‌آفرین تأکید می‌کند: «... إِلَهُهُمْ وَاحِدٌ...»^۵ و این در حالی است که خدا، پیامبر و کتابشان یکی است... .

۲- دین اسلام

از آنجا که دین اسلام بر پایه اصول فطری بنا نهاده شده و قوانین آن، همه را به همگرایی فرا می‌خواند، خود یکی از محورهای مهم وحدت امت اسلامی است. امام علی علیه السلام نیز بدان گوشزد می‌نماید:

«أما دينٌ يجمعكم؟» «آیا دینی ندارید که محور اتحاد شود؟».

آری، دین به عنوان چشم‌انداز فراروی ملتها از رنگ، نژاد و سرزمینهای متفاوت در عرصه سیاست، فرهنگ، اقتصاد و ... زمینه‌ساز اتحاد و همدلی است.

۳- قرآن کریم

قرآن به عنوان قانون اساسی جهان اسلام، همواره مورد اهتمام اهل بیت (علیهم‌السلام) بوده است. حضرت علی علیه السلام پس از ماجرای حکمیت، درباره نقش محوری قرآن کریم در عرصه وحدت و انسجام اسلامی و فصل‌الخطاب بودن آن در داوری و حل منازعات مسلمانان می‌فرماید:

۱. آل عمران/۶۳
۲. انبیاء/۹۲
۳. حجرات/۱۰
۴. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۳.
۵. عبدالمجید معادی‌خواه، فرهنگ آفتاب، ج ۱، ص ۹۰. همان.

«... و هنگامی که شامیان ما را دعوت کردند تا قرآن را میان خویش داور گردانیم، ما گروهی نبودیم که به کتاب خدای سبحان پشت کنیم، در حالی که خداوند بزرگ فرمود: اگر در چیزی خصومت کردید، آن را به خدا و رسول باز گردانید. باز گرداندن به خدا این است که کتاب او را در داوری بپذیریم»^۱.

آری، قرآن به عنوان ثقل اکبر، همواره مایه رحمت، مودت، مهرورزی و دوری از اختلاف و کینه‌توزی بوده است. بر ماست که از کتاب خدا دور نشویم و در عرصه اتحاد امت اسلامی دستورات گرانسنگ آن را سرمشق خویش قرار دهیم.

۴- پیامبر اعظم ﷺ

بی‌گمان، پیامبر اکرم ﷺ به عنوان آخرین فرستاده الهی و رهبر بی‌نظیر جامعه اسلامی نقش مؤثری در عرصه انسجام اسلامی ایفا می‌کند.

امام علی رضی الله عنه هنگام درگیری با شامیان از گسترش دامنه اختلافات بین مسلمانان اظهار نگرانی کرد و از پیامبر واحد و خداوند واحد به عنوان محور همگرایی یاد کرد: «و کان بدء امرنا التقیینا و القوم من اهل الشام و الظاهر ان ربنا واحد و نبینا واحد و دعوتنا فی الاسلام واحد»^۲؛

«جریان کارمان با درگیری با گروهی از اهل شام آغاز شد و در حالی که به ظاهر پروردگاران، پیامبران و دعوت اسلامیمان یکی بود»^۳.
همچنین آن حضرت فرموده است:

«اما همین که حضرت - پیامبر ﷺ - در گذشت، مسلمانان به کشمکش پرداختند»^۳.
از مفهوم کلام حضرت می‌توان فهمید که نبی گرامی اسلام، محور اتحاد مسلمانان بوده است، به گونه‌ای که با رحلت ایشان، رشته‌های اتحاد امت از هم می‌گسلد.

۵- رعایت مصالح عمومی

هرگاه مصالح عمومی یک جامعه در معرض تهدید قرار گیرد، مصالح فردی و گروهی نادیده گرفته می‌شود و همه افراد به دفاع از مصالح عمومی می‌پردازند.
در جامعه اسلامی نیز که جناح‌های سیاسی و افرادی با سلیقه‌های مختلف وجود

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶.

۲. فرهنگ آفتاب، ج ۱، ص ۹۰.
همان.

دارند، گاهی تعارض در رعایت حقوق آنها به وجود آمده و تضارب افکار، زمینه برخی اختلافات را به وجود می‌آورد. یکی از محورهای اتحاد، رعایت مصالح عمومی است که سیره عملی و رفتاری امام علی علیه السلام مؤید آن است. سکوت امام و همکاری او با خلفا در راستای رعایت مصالح عمومی جامعه اسلامی صورت گرفت، چرا که اوضاع سیاسی - اجتماعی صدر اسلام نشان می‌دهد که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام، مسلمانان دچار مشکلات و بحرانهای خطرناک بسیار شدند که هر کدام میتوانست عمود خیمه اسلام را به لرزه درآورد و حتی از بیخ و بن برکند.

در چنین فضایی است که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«وایم الله! لولا مخالفة الفرقة بين المسلمين و ان يعود الكفر و یبور الدین لکنا غیر ما کنا لهم علیه»؛

«به خدا سوگند! اگر ترس تفرقه میان مسلمانان و بازگشت کفر و تباهی دین نبود، رفتار ما با آنها طور دیگری بود».

همچنین آن حضرت در جواب ابوسفیان بعد از ماجرای سقیفه - که به عنوان حمایت از حضرت علی علیه السلام می‌خواست فتنه به پا کند - همگان را به وحدت فراخواند:

«ایها الناس شققوا امواج الفتن بسنن النجاة و عرجوا عن طریق المنافرة و ضعوا تیجان المفاخرة»؛^۱ «امواج کوه‌پیکر فتنه‌ها را با کشتیهای نجات در هم شکنید و از راه اختلاف و پراکندگی کنار آیید، تاج تفاخر و برتری جویی از سر بنهید».

۶- حقانیت

یکی از عوامل مهم ایجاد وحدت، حقانیت است. اگر افراد جامعه‌ای بر این باور باشند که آنان برحق هستند، باید با بهره‌گیری از این عنصر، در برابر دشمنان باطل‌گرا، همدستان و متحد شوند. امام علی علیه السلام نیز از حقانیت به عنوان یکی از زمینه‌های وحدت و همبستگی یاد کرده است. آن حضرت در پی جنایات سپاهیان معاویه در شهر انبار، سپاهیان خود را به سبب سستی در جهاد نکوهش کرد و فرمود:

«والله! یمیت القلب و یجلب الهم، اجتماع هولاء القوم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم»؛^۲ «به خدا سوگند! چنین وضعی قلب را می‌میراند و از هر سو غم و

۱. مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص ۱۷۹ و ۱۸۰.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۵.

فرهنگ آفتاب، ج ۱، ص ۸۶.

اندوه را برمی‌انگیزد که این قوم در باطل خود همداستانند و شما بر محور حقتان پراکنده‌اید».

پیام این جملات آن است که حق‌گویان جهان با محوریت حق باید در برابر گردهمایی باطل‌گرایان بر محور باطل متحد شوند.

۷- امامت و رهبری

در جامعه اسلامی، بویژه در فرهنگ شیعی، امامت و رهبری، استمرار رسالت است؛ از این رو، حفظ نظام اسلامی از اهمّ واجبات و رهبر جامعه اسلامی محور همبستگی و حرکت اسلامی است.

حضرت علی علیه السلام در این عرصه می‌فرمایند:

«همانا من قطب آسیایم و همه بر محور من می‌چرخند و من در جای خود ثابتم. اگر لحظه‌ای جایگاهم را رها کنم، ملازمش سرگردان و سنگ زیرین آن به لرزش درآید»^۱.

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز در این زمینه می‌فرمایند:

«فَجَعَلَ اللهُ ... اطاعتنا نظاماً للملّة و امامتنا أماناً للفرقة»؛ «خداوند اطاعت و پیروی از ما - اهل بیت (علیهم السلام) - را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی و امامت و رهبری ما را عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه قرار داده است»^۲.

امیرمؤمنان علی علیه السلام در وصیت‌نامه خویش، امت اسلام را به وحدت بر محور الهی دعوت کرده و با یادآوری آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا» از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «تلاش برای رفع کدورت میان مسلمانان و برقراری وحدت در بین آنها از یک سال نماز و روزه بیشتر فضیلت دارد».

همچنین آن حضرت در خطبه شفشقیه، ضمن اعلام حقانیت خود برای زمامداری مسلمانان، صبر خویش را در دوران خلفای سه‌گانه، عاقلانه‌ترین راه ممکن معرفی می‌کند.

در جای دیگر امام علیه السلام درباره نماز تراویح می‌فرماید:

«لوحملت الناس علی ترکها حوّلها الی مواضعها والی ما کانت فی عهد رسول الله لتفرّق عنی جندی حتّی ابقى وحدة أومع قليل من شیعتی الذین عرفوا فضلی»؛ «اگر

۱. همان، ج ۱، ص ۹۱.

۲. محمد دشتی، نهج الحیاء، فرهنگ سخنان فاطمه ۳، ص ۳۷.

مردم را بر ترک نماز تراویح وامی‌داشتم و آن را در جایگاه خود قرار می‌دادم و بر آنچه در زمان رسول خدا ﷺ بود، بر می‌گرداندم، لشکرم از گرد من پراکنده می‌شدند تا آن جا که تنها یا با اندکی از پیروانم که به فضل و برتری من آگاهند، باقی می‌ماندم»^۱.
سیره عملی ایشان در ابقای برخی افراد در مسند قدرت و قضاوت مانند شریح قاضی نیز از این مقوله است و با نگاهی وحدت‌گرا قابل تفسیر است.^۲
اینک به نقش اهل بیت:، به ویژه حضرت علی علیه السلام در وحدت و انسجام اسلامی اشاره می‌کنیم:

نقش اهل بیت در عرصه وحدت و انسجام اسلامی

خلافت امام علی علیه السلام، بر فراز چندین گسل اجتماعی نسبتاً فعال رقم خورد که از آن جمله به اختلافات عربی قحطانی - عدنانی، اختلافات خاندان بنی هاشم و بنی امیه، اختلاف سایر قبایل با هم، اختلاف انصار و مهاجران و ماجرای قتل خلیفه سوم و فتنه‌انگیزی معاویه در این عرصه می‌توان اشاره کرد. از این رو، هنگام خلافت امام علی علیه السلام زمینه اختلافات تشدید شده بود و پس از آن در دوران خلافت وی بر اثر جنگ‌های داخلی و حوادث ناخواسته، شدت بیشتری پیدا کرد و به همین سبب مبارزه با اختلاف و دعوت به وحدت در رأس برنامه‌های آن حضرت قرار داشت. لذا ایشان با جمع قرآن کریم و همکاری مؤثر با خلفا، همواره در حفظ اسلام و وحدت مسلمانان کوشیدند.
اینک با توجه به آنچه گذشت، بی‌گمان امام علی علیه السلام را می‌توان پدر و بنیانگذار وحدت اسلامی نامید که پس از وی، سایر اهل بیت (علیهم السلام) نیز شیوه آن حضرت را در دو بُعد علمی و عملی پی گرفتند.

از ابعاد علمی و عملی اهل بیت: در عرصه وحدت اسلامی، می‌توان به اهتمام به امور مسلمانان و تشکیل امت واحده، اشاره کرد که شاه‌بیت‌های فعالیت‌های ایشان به شمار می‌آید؛ چنانچه همواره توجه داشتند که اختلافی بین جامعه مسلمانان ایجاد نشود و پیروان خود را نیز به ارتباط مؤثر با سایر فرق اسلامی مانند شرکت در نماز جماعت، تشییع جنازه و ... تشویق و ترغیب می‌کردند. نرزش قهرمانانه امام حسن علیه السلام و قیام شجاعانه امام حسین علیه السلام، گفتگوهای علمی و مناظرات فقهی و عقیدتی صادقین و ارتباط آنها با فقهای سایر مذاهب که همواره با گشاده‌رویی و مدارا همراه بود، از دیگر مؤلفه‌های

۱. علی اکبر صادقی رشاد، دانشنامه امام علی علیه السلام ج ۶، ص ۱۷۸.
همان، ص ۴۰۲.

وحدت طلبانۀ ائمه اطهار (علیهم السلام) بود.

بسیاری از دستورات اجتماعی اسلام، یا به عبارت بهتر، تمامی دستورات آن، بدون استثنا در هر موردی که امری به نحو وجوب یا استحباب دارد، هدف و نتیجه نهایی آن، ایجاد محبت، الفت، برادری و اتحاد میان مسلمانان است؛ مانند امر به نماز جمعه و جماعت، سلام کردن، مصالحه، معانقه، تبسم، ادخال سرور، مشورت، نصیحت، همکاری، اصلاح ذات البین، پاکیزگی، امانت، عدالت، راستگویی، مواسات، دلسوزی، مهربانی، نیکی به والدین، صلۀ رحم، مراعات حق همسایه و هم صحبت، نوازش ایتام، ضیافت و مهمانی، برآوردن حاجت‌های مؤمنان، حسن معاشرت، مطایبه و مزاح، بدرقه و استقبال از مسافر، هدیه و سوغات، عیادت مریض، تشییع جنازه، تسلیت مصیبت دیده، تواضع، کظم غیظ، زکات، انفاق، دعا کردن برای مؤمنان و سپاسگزاری از نیکوکاران، ...

به طور کلی نیز، از هر عمل یا صفتی که به نحو حرمت یا کراهت نهی فرموده‌اند، برای جلوگیری از پراکندگی و اختلاف و درگیری و نزاع بین مسلمانان است؛ مانند: نهی از گمان بد، تجسس، دروغ، غیبت، ناسزا گفتن، تکبر، خودخواهی، استبداد و خودمحوری، مسخره کردن، دادن لقب زشت به دیگران، سرزنش، تحقیر، شماتت، قطع رحم، عاق والدین، سخن چینی، خدعه و تزویر، غش، کم‌فروشی، احتکار، طمع، ریا و تظاهر، ستم و تجاوز، نفاق، حسد و کینه‌توزی، خشونت، مجادله به باطل، خلف وعده، تعصب بیجا و حال به توضیح و تبیین برخی از بیانات حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه میپردازیم؛ چرا که:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

۱- تسلط به فن ارتباط

«قلوب الرجال وحشية فمن تألفها اقبلت عليه»؛ «دل‌های مردم طبعاً بیگانه و وحشی است. هر کس با آنها الفت پیدا کند، به او روی می‌آورند».

در این سخن، امام (علیه السلام) یکی از نقاط ضعف مردم در راه معاشرت و دوست‌یابی را یادآوری می‌کند و به تسلط بر فن ارتباط که از شاهراه‌های انسجام افراد یک جامعه است، اشاره می‌کند.

۲- دعوت به وحدت، پرهیز از اختلاف

نهج البلاغه، حکمت ۵۰.

«الخلاف یهدم الرأی»^۱؛ «اختلاف، رأی صحیح را ویران می‌سازد». انسان در حالت آرامش می‌تواند نظر درست اختیار کند، اما در جو پر از برخورد، از جاده صواب منحرف می‌شود. «ماختلفت دعوتان الاکانت احدهما ضلالة»^۲؛ «هیچ‌گاه دو دعوت و دو نظریه در برابر هم قرار نمی‌گیرند، مگر این که یکی از آن دو گمراهی و باطل است». این جمله حکیمانه اشاره به این دارد که حق و باطل با هم جمع نمی‌شوند و همواره حق در برابر باطل است و تبلیغات، دعوتها و احزاب هم همین طور هستند. از بین آنها یکی حق و دیگران باطلند.

۳- برخورد کریمانه با مخالفان

مولای متقیان علی علیه السلام به از بین بردن بسترهای فتنه‌انگیز و تنش‌زا بسیار اهمیت می‌دادند؛ به گونه‌ای که در جنگ صفین دیدند که گروهی از یاران حضرت، شامیان را دشنام می‌گویند.

حضرت به ایشان فرمود:

«اَنتی اکره لکم ان تکونوا سبّابین و لکنکم لو وصفتکم اعمالهم و ذکرتم حالهم، کان اصوب فی القول و ابلغ فی الغدر، و قلتهم مکان سبکم ایاهم: اللهم أحقن دماءنا و دمائهم، و اصلح ذات بیننا و بینهم و اهدهم من ضلالتهم حتی یعرف الحق من جهله و یرعوی عن الغی و العدوان من لهج به»^۳؛ «من خوش ندارم که شما دشنام‌دهنده باشید، اما اگر کردارشان را تعریف و حالات آنان را بازگو می‌کردید، به سخن راست نزدیک‌تر و عذرپذیرتر بود، خوب بود به جای دشنام آنان می‌گفتید: خدایا! خون ما و آنها را حفظ کن، بین ما و آنان اصلاح فرما و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن تا آنان که جاهلند، حق را بشناسند و آنان که با حق می‌ستیزند، پشیمان شده، به حق بازگردند».

با توجه به پیام این خطبه، وظیفه ما در ناسزاگویی نسبت به یکدیگر و هتک مقدسات، بسیار دشوار خواهد بود.

۱. همان، حکمت ۲۱۵.
۲. همان، حکمت ۱۸۳.
۳. همان، خطبه ۲۰۶.

۴- توجه به اصل مدارا

حضرت علی علیه السلام ضمن این که خود، در عرصه مدارا، پرجاذبه‌ترین بود، این روش را به فرمانداران، فرماندهان و موالیان خود نیز توصیه می‌فرمود؛ ایشان در نامه ۴۶ می‌فرماید:

«... در آنجا که مدارا بهتر است، مدارا کن... پر و بالت را بر رعیت بگستران. با مردم گشاده‌روی و فروتن باش و در نگاه و اشاره چشم، سلام کردن و اشاره کردن با همگان یکسان باش...»

امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه نیز به مالک اشتر فرمان برقراری مساوات و مدارا با مردم می‌دهند. این امر نشان از آن دارد که اصل مدارا، از اصول بنیادین اخلاقی در عرصه وحدت و انسجام اسلامی است که پیوسته مورد توجه حضرت علی علیه السلام بوده است. با توجه به عوامل و مبانی وحدت؛ بی‌گمان، اهتمام و عمل به این اصول، نتایج و آثار مطلوبی را برای جامعه و امت اسلامی دربر خواهد داشت. اینک با بهره‌گیری از کلام امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام به برخی از آثار و پیامدهای مثبت اتحاد و همبستگی جامعه اسلامی اشاره می‌کنیم.

آثار اتحاد

۱. اجرای حق و عدالت

۲. پیروزی

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه که شأن صدور آن پیکار صفین است! در آن فضای غبار آلود سیاسی - اجتماعی، در فرازی از خطبه مذکور، اجرای حق و عدالت و پیروزی را ثمره اعتماد به رهبری و اتحاد مردم برمی‌شمرد و گسست اجتماعی بین دو ساحل جامعه را مایه بیماری دل، معطل ماندن احکام دین، ظاهر شدن نشانه‌های جور و ستم و شکست و ... می‌داند و می‌فرماید:

«... و آنگاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد و راههای دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله پایدار گردد. پس روزگار اصلاح شود و مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس می‌گردد. اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند یا زمامدار

۱. این جنگ، سومین جنگ داخلی است که قاسطین دنیا طلب رویاروی آن حضرت سامان دادند تا بهره خویش از دنیا را فراتر و جایگاه خویش در قیامت را فروتر گردانند.

بر رعیت ستم کند، وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار و نیرنگ‌بازی در دین فراوان می‌گردد، راه گسترده سنت پیامبر متروک، هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل، و بیماری‌های دل فراوان شود... مردم از این که حق بزرگی فراموش می‌شود یا باطل خطرناکی در جامعه رواج می‌یابد، احساس نگرانی نمی‌کنند! پس در آن زمان نیکان خوار و بدان قدرتمند می‌شوند و کیفر الهی بر بندگان بزرگ و دردناک خواهد بود...»^۱.

۳. اقتدار و عزت و سامان یافتن امور مسلمانان

عزت‌مندی و آزادی در سایه شجره طیبه اتحاد و همبستگی امکان‌پذیر است؛ چنان‌که امام‌علی علیه السلام می‌فرماید:

«هیچ ملتی درباره انجام کاری با هم متحد نشد، جز این که نیرو و قدرت پیدا کرد و هیچ ملتی از این قدرت بهره نگرفت، مگر این که خداوند گرفتاری آنان را برطرف کرد و آن را از بلای ذلت نجات بخشید»^۲.

همچنین آن حضرت اساس فراز و فرود و عزت و ذلت امتهای گذشته را همگرایی و اختلاف دانسته است؛ آنجا که می‌فرماید:

«اگر در تفاوت حال آنها، در زمان خوشی و رفاه و زمان سختی آنها ببیندیشید، آنگاه لازم می‌شود بر شما که به سراغ عواملی بروید که باعث عزت و اقتدار آنان شد و دشمنان را از آنها دور کرد و عافیت و سلامت برایشان آورد... و آن، عبارت است از پرهیز از تفرقه و اهتمام به الفت و محبت، توصیه و تشویق بر همگامی و همبستگی^۳، بنگرید که آنها چگونه بودند، هنگامی که جمعیت‌هایشان متحد، خواسته‌هایشان متفق، قلبها و اندیشه‌ها معتدل، دستها پشتیبان هم، شمشیرها یاری کننده یکدیگر، دیده‌ها نافذ و عزمها و هدفها یکی بود. آیا زمامدار و پیشوای همه جهانیان نشدند؟! از آن طرف پایان کار آنان را نیز بنگرید، آن هنگام که پراکندگی در میان آنها واقع شد، الفتشان به تشتت گرایید، اهداف و دلهاشان اختلاف پیدا کردند، به گروه‌های متعددی تقسیم شدند و در اثر پراکندگی، با هم به نبرد برخاستند. (در این هنگام بود) که لباس کرامت و عزت از تنشان بیرون شد و وسعت و نعمت از آنان سلب شد و تنها سرگذشت آنان

۱. همان، خطبه ۲۱۶.

۲. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۱۸۵.

۳. فرهنگ آفتاب، ج ۱، ص ۸۷.

در میان شما باقی مانده که مایهٔ عبرت برای عبرت‌گیرندگان است...».

نتیجه

وحدت مقوله‌ای است که از دیرباز در فرهنگ دینی مسلمانان وارد شده و به مرور جایگاه ویژه‌ای یافته است. عالمان و روشنفکران دینی شیعه و سنی طی قرن گذشته همت خویش را مصروف تبیین نظریهٔ وحدت امت اسلامی کرده‌اند، اما به واقع، هنوز نه ابعاد مختلف تفرقه به عنوان تهدیدی جدی علیه اسلام و مسلمانان مورد توجه قرار گرفته و نه مفهوم وحدت به عنوان مهمترین راز و رمز گریز از این خطر، به گونه‌ای ژرف درک شده است.

اینک وقت آن رسیده است که با تمسک به ثقلین، تکیه بر اصول مشترک و آزادگذاشتن هر فرقه در فروع خاصهٔ خود، براساس عقل و منطق و پرهیز از برخورد احساسی و تعصبات خام، مسلمانان جهان با هم متحد شوند و در مقابل دشمن مشترک ایستادگی کنند تا با پیروزی در برابر الحاد و کفر با یکدیگر با مهرورزی و سلامت زندگی کنند و کرامت و شرافت ذاتی خویش را آن گونه که امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌خواست، همواره درخشان و تابنده نگه دارند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، نشر داوود، تهران، ۱۳۷۹.
۳. دشتی، محمد، ترجمهٔ نهج البلاغه، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، قم، ۱۳۷۹.
۴. _____ فرهنگ سخنان فاطمه ۳، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۷.
۵. صادقی رشاد، علی اکبر، دانشنامهٔ امام علی علیه السلام مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
۶. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، صدرا، قم، ۱۳۶۷.
۷. _____ الغدیر و وحدت اسلامی، روزنامه قدس، ۸۴/۱۰/۲۵.
۸. معادی‌خواه، عبدالمجید. فرهنگ آفتاب(فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه)، نشر دژه،